

جنگ سرد نوین و رقابت بین قدرت های جهانی در فضای سایبری

محمد رضا مایلی^۱

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

محمد سعید بهمنی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۱/۹/۲۳ - تاریخ تصویب ۹۱/۱۲/۲۶)

چکیده

اگر تا همین چند سال پیش، جنگ سرد و رقابت تسلیحاتی دو قدرت بزرگ غرب و شرق، دل نگرانی اول حاکمان و مردمان جهان بود؛ اما امروزه، جنگ سایبری و رقابت تسلیحات سایبری، آن هم نه در دو جبهه که در تمامی کره زمین، به موضوع راهبردی جهان بدل گشته است. در این فضا ممکن است که شما از ابزارهایی بهره ببرید و ندانید که آنان علیه شما به کار گرفته خواهند شد. برای مثال دقیقا از همان ابزاری که شما از آن استفاده می‌کنید، برای جاسوسی علیه شما استفاده می‌شود و شما متوجه این موضوع نمی‌گردید که قربانی اصلی خودتان هستید. در این فضا شما نمی‌توانید مطمئن باشید که کسی شما را تعقیب نمی‌کند و ممکن است از این ابزار علیه شما و برای رسیدن به اهداف خشن‌تری استفاده کند. مفاهیم قدرت و جنگ نرم، پس از یک دوره انباشت ادبیات آن در طول جنگ سرد در واپسین سالهای قرن بیستم و آغازین روزهای هزاره جدید به پارادایم حوزه های سیاسی-

Email: mr_mayeli42@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

امنیتی-فرهنگی تبدیل شد. در این میان اینترنت را باید بزرگترین سامانه ای دانست که تا کنون به دست انسان طراحی، مهندسی و اجرا شده است. این سامانه، شبکه ای عظیم از میلیون ها رایانه است که کاربران مختلف و اهداف متعددی دارد؛ ولی در نهایت بصورت یک شبکه جهان شمول، واحد و در مقیاس جهانی به هم متصل است و نقش این کاربر رسانه ای و نقش آن در تهییج جنبش های اجتماعی که به سرعت مرزهای کشور را در می نوردد و موجب ناهنجاری های اجتماعی می شود، قابل چشم پوشی نیست. لذا امروزه اهمیت و جایگاه اینترنت را در فضای سایبری برای کشورها دو چندان کرده است. این مقاله به بررسی و تحلیل پیرامون جنگ سرد نوین و رقابت بین قدرت های جهانی در فضای سایبری می پردازد.

واژگان کلیدی: جنگ سرد، فضای سایبری، جنگ سایبری، جنگ نرم، رقابت

تسلیمات سایبری

Archive of SID

مقدمه

کشف قدرت هسته ای، گسترش تسلیحات با ساخت سلاح های جدید و در نهایت رقابت ایدئولوژیک میان دو قدرت پیروز در جنگ جهانی دوم، پدیده هایی بود که در چارچوب نظام دو قطبی، دنیا را در زمینه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مورد تاثیر کاملی قرار داد و جنگ سرد تبدیل به نماد قاطع تعامل قدرت های رقیب در این نظام گردید.

در اواخر قرن بیستم دو اتفاق بسیار تاثیر گذار در عرصه روابط بین الملل رخ داد: نخست، پیشرفت های شگرف تکنولوژیک در زمینه ارتباطات که موجب عصر ارتباطات بود. سپس، فروپاشی شوروی که خواه ناخواه به پایانی بر نظام دو قطبی و رقابت ایدئولوژیک غرب و شرق سیاسی تعبیر گردید.

آنچه به وضوح پس از این موارد رخ داد، ادامه رقابت، کشمکش، سلطه جویی و مبارزه طلبی های تمدن غرب با مدعیان دیگر بود که بعضاً مستقل و داعیه دار قرائت های متفاوت از شیوه زندگی و برداشت های ذهنی و فکری و فرهنگی دیگری بودند (مانند اسلام و ...) در جریان این مبارزه جدید دیگر نظامی گری و روش های عینی مبارزه جویی آن قدر کار آمد نیست، در عصر ارتباطات باید از ابزار همان دوره استفاده نمود. مقاله حاضر در صدد پاسخ به چنین سئوالاتی می باشد: جنگ سرد، فضای سایبر و جنگ سایبری چیست؟ آیا جنگ ها در پروسه جهانی شدن و فضای سایبر ادامه پیدا کرده اند؟ تهدید های سایبری بعد از جنگ سرد کدامند؟ و در نهایت سئوال اصلی بدین ترتیب مطرح می شود که چگونه می توان حوزه های جنگ سرد نوین و رقابت بین قدرت های جهانی در فضای سایبری را تبیین نمود؟

فرضیه مقاله بدین نحو قابل طرح است که مسابقه تسلیحاتی و موشکی امروز به مسابقه تولید مفهوم و توان هدایت و اغواگری افکار عمومی در فضای مجازی تبدیل گردیده است و امروز شاید مسابقه تولیدات نرم افزاری نظیر انواع سایت ها،

خبرگزاری‌ها، بازی‌های رایانه‌ای آنلاین و آفلاین و ... به جای تولید موشک و کلاهک هسته‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است.

برای پاسخ به سئوالات فوق، نخست به تشریح برخی از مفاهیم کلیدی بحث خواهیم پرداخت:

جنگ سرد:

جنگ سرد اصطلاحی است که به دوره‌ای از تنش‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها در روابط ایالات متحده با اتحاد جماهیر شوروی و هم‌پیمانان آنها در طول دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ اطلاق می‌شود. در طول این دوره، رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه‌های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزشی، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه یافت. این رقابت‌ها پیامدهایی مانند مسابقات فضایی، پرداخت هزینه‌های گزاف دفاعی، مسابقات جنگ‌افزار هسته‌ای و تعدادی جنگ‌های غیرمستقیم را به دنبال داشت. گرچه در طول جنگ سرد هرگز درگیری نظامی مستقیمی میان نیروهای ایالات متحده و شوروی به وجود نیامد اما گسترش قدرت نظامی، کشمکش‌های سیاسی، رقابت‌های ایدئولوژیک و فرهنگی به همراه تبلیغات گسترده رسانه‌ای - حتی در عرصه صنعت سینما و ... و درگیری‌های مهم سیاسی بین کشورهای پیرو و هم‌پیمانان این ابرقدرت‌ها از نشانه‌های آن به‌شمار می‌روند. هر چند ایالات متحده و شوروی در طول جنگ جهانی دوم در مقابل آلمان نازی متحد بودند، اما حتی پیش از پایان جنگ نیز بر سر چگونگی تقسیم و دوباره‌سازی صحنه سیاست در جهان پس از جنگ با هم اختلاف پیدا کردند.

پس از جنگ در حالی که آمریکا در تلاش بود تا کمونیسم را در جهان محدود کند گستره جنگ سرد به بسیاری از نقاط جهان به ویژه اروپای غربی، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا کشیده شد. در این دوره، جهان با بحران‌های مکرر سیاسی و نظامی مانند ساخت دیوار برلین (۱۹۶۱-۱۹۸۹)، جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جنگ ویتنام (۱۹۵۹-۱۹۷۵)، بحران

موشکی کوبا (۱۹۶۲) و جنگ شوروی در افغانستان (۱۹۷۹-۱۹۸۸) روبه‌رو شد که هر لحظه امکان یک جنگ جهانی را ایجاد می‌کرد؛ اما در نهایت این اتفاق رخ نداد. یکی از دلایل مهم دوری هر دو طرف از ایجاد یک جنگ مستقیم دسترسی آنها به جنگ‌افزار هسته‌ای و ترس از استفاده طرف مقابل از این سلاح‌ها بود. سرانجام در پایان دهه ۱۹۸۰ و با دیدارهای مقام‌های بلندپایه که به وسیله آخرین رهبر شوروی میخائیل گورباچف ترتیب داده شد، آتش جنگ سرد رو به خاموشی گذاشت.

جنگ سرد دوم:

در فاصله زمانی بین تجاوز شوروی سابق به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ و به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در شوروی در مارس ۱۹۸۵ روابط بین ابرقدرت‌ها به سردی گرائید. به دلیل افزایش تنش بین بلوک شرق و غرب گاهی به این دوره، جنگ سرد دوم می‌گویند. حمله سال ۱۹۷۹ شوروی سابق به افغانستان باعث واکنش بسیاری از کشورها بویژه در بلوک غرب و تحریم گسترده بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو گردید. تجاوز شوروی منجر به درگیری طولانی مجاهدین افغانستان با ارتش شوروی شد که تا پایان دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. در سال ۱۹۷۹ متحدین ناتو که از استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد اس‌اس-۲۰ نگران بودند، توافق کردند که به مذاکرات محدود سازی سلاح‌های راهبردی ادامه دهند تا تعداد موشک‌های هسته‌ای مورد استفاده را محدود کنند؛ درعین حال آنها تهدید کردند که اگر مذاکرات شکست بخورد، ۵۰۰ دستگاه موشک کروزر در آلمان غربی و هلند مستقر می‌کنند. این مذاکرات به شکست محکوم شد. استقرار برنامه ریزی شده با مخالفت شدید و گسترده افکار عمومی اروپا مواجه شد و در چند کشور اروپایی تظاهرات بی‌سابقه‌ای رخ داد. نو محافظه‌کاران علیه سیاست‌های زمان نیکسون و جیمی کارتر در قبال شوروی سابق موضع گرفتند. بسیاری از آنها که با سناتور جنگ طلب دمکرات به نام هنری اسکوپ جکسون همراه شدند و به رئیس‌جمهور کارتر فشار آوردند که از موضع مقابله با شوروی برخوردار کند. آنها در

نهایت خود را با رونالد ریگان و جناح محافظه کار جمهوری خواهان که به جلوگیری از گسترش شوروی متعهد شده بود، هماهنگ کردند. انتخاب مارگارت تاچر به عنوان نخست وزیر بریتانیا در سال ۱۹۷۹ و به دنبال آن انتخاب رونالد ریگان به عنوان رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۸۰، باعث به قدرت رسیدن دو رهبر سرسخت در جنگ سرد دنیای غرب شد.

پایان جنگ سرد

این دوره با به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف به عنوان رهبر شوروی سابق در سال ۱۹۸۵ آغاز شد و تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ادامه داشت. رویدادهای مهم این دوره، حادثه چرنوبیل (۱۹۸۶)، پاییز ملت‌ها شامل سقوط دیوار برلین (۱۹۸۹)، عملیات کودتای ۱۹۹۱ علیه گورباچف و در نهایت فروپاشی شوروی و نظام کمونیستی در ۱۹۹۱ بود.

ریگان در دوره دوم ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۸۵ در ژنو و در سال ۱۹۸۶ در ریکیاویک با گورباچف ملاقات و نومحافظه کاران را شگفت زده کرد. موضوع ملاقات دوم، بحث درباره کاهش زرادخانه‌های موشکی میانی در اروپا بود. هزینه‌های مسابقه تسلیحاتی جنگ سرد از یکسو و افزایش تقاضا برای مجموعه بزرگی از کمک‌های خارجی و نظامی از طرف متحدین سوسیالیست شوروی از سوی دیگر، تلاش‌های گورباچف برای تقویت تولید کالاهای مصرفی و اصلاح اقتصادی را در وضعیت بسیار حساس و پرمخاطره‌ای قرار داد. در سال ۱۹۸۹ دولت‌های کمونیست اروپای شرقی یک به یک سرنگون شدند. در لهستان، مجارستان و بلغارستان اصلاحات دولت باعث پایان صلح آمیز حاکمیت کمونیست‌ها و استقرار دموکراسی شد. تظاهرات گسترده در آلمان شرقی و چکسلواکی باعث سرنگونی کمونیست‌ها در این دو کشور گردید و دیوار برلین فرو ریخت. در رومانی یک قیام عمومی باعث سرنگونی رژیم نیکولای چائوشسکو در اواسط دسامبر و اعدام او در ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹ شد.

فضای سایبر و جنگ سایبری

سایبر^۱ به معنای سکاندار یا راهنماست و نخستین کسی که واژه فضای سایبر را به کار برد، ویلیام گیتسون نویسنده داستان های علمی-تخیلی بود. فضای سایبر یا فضای مجازی در تعریف برخی نویسندگان عبارت است از: «مجموعه ای از ارتباطات درونی انسان ها از طریق رایانه و وسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی است». البته شاید بهتر باشد آن را چنین تعریف کنیم: «محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه ای سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص، خود؛ در آن، زنده و مستقیم روی می دهد». قید «واقعی»، مانع از این است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیر واقعی بودن آن است؛ چرا که در این فضا نیز همان ویژگی های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسئولیت وجود دارد. ضمن این که فضای سایبر در واقع یک «محیط» است که ارتباطات در آن انجام می شود؛ نه صرف مجموعه ای از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات گرچه ممکن است در همه حال بر خط نباشد، ولی زنده و واقعی و مستقیم است. از این رو، تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می دهد. (صدیق بنای، ۱۳۸۵: ۳)

جنگ سایبر عبارت است از انجام یا آماده شدن برای انجام عملیات های نظامی مطابق با اصول مربوط به اطلاعات؛ جنگ سایبر یعنی ایجاد اختلال، اگر نگوئیم نابودی کامل، در سیستم های اطلاعاتی و ارتباطی که دشمن برای "دانستن" خود به آنها تکیه می کند، یعنی اینکه او کیست؟ کجاست؟ چه کاری را در چه زمانی می تواند انجام دهد؟ چرا می جنگد؟ چه تهدیداتی در اولویت قرار دارند؟

از این رو، این تعریف برای جنگ سایبری پیشنهاد می شود که جنگ سایبری می تواند بین دولت ها یا از برخی جهات حتی بین بازیگران غیردولتی اتفاق افتد. در این

^۱. Cyber

جنگ، هدایت دقیق و مناسب نیروها بسیار دشوار است، هدف می‌تواند نظامی، صنعتی، غیرنظامی یا حتی فضای سروری باشد که مطمئناً به مشتریان بسیاری خدمات ارائه می‌دهد. در کل در تعریف جنگ سایبر می‌توان گفت این جنگ زیر مجموعه‌ای از جنگ اطلاعاتی است و شامل اقداماتی می‌شود که در فضای سایبر رخ می‌دهد. بنابر این می‌توان جنگ سایبر را یک داستان نا متعارف هشدار دهنده دانست که معمولاً بیشتر از آنچه که ارتباط نزدیکی با سیاست عمومی داشته باشد با فضای مجازی تکنولوژی مرتبط می‌باشد. (krebs,2009)

جهانی شدن و فضای سایبر

صحبت کردن از جهانی شدن و جنبه‌های مختلف آن بیش و پیش‌تر از هرچیز دیگر نیازمند تعریفی سودمند از این پدیده پر دامنه است. به رغم تعاریف متعددی که اندیشمندان حوزه‌های مختلف از جهانی شدن ارائه داده‌اند نمی‌توان بر تعریفی جامع تاکید نمود و باید تنها با توجه به جنبه‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد تعریفی محدود از جهانی شدن را مد نظر قرار داد. در اینجا تلاش می‌شود تا تعاریفی از رابطه جهانی شدن و دنیای مجازی بیان شود. به عنوان مثال مارتین آلبرو جهانی شدن را فرآیندی تعریف می‌کند که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند. (صداقت، ۱۱: ۷۹) و یا امانوئل کاستلز جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌پندارد که در ادامه حرکت سرمایه‌داری پهنه اقتصاد و فرهنگ را در بر می‌گیرد. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳۰) دیوید هاروی بر این باور است که جهانی شدن به مرحله شدیدی از فشردگی زمان و مکان منجر شده که دارای تاثیر گویج‌کننده و مخرب بر رویه‌های سیاسی و اقتصادی و توازن قدرت طبقات و نیز زندگی فرهنگی و اجتماعی است. (Harvey, 1989: 240) مانوئل والرشتاین جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور

افتاده و منزوی بودند، با یکدیگر ادغام می شوند. (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲)

بسیاری از نویسندگان ویژگی اصلی جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیک جهانی، پیدایش قبیله جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان، آگاهی، پایان تاریخ و عصر سیبرنتیک خلاصه کرده اند. بنابر تعاریفی که در بالا به آن اشاره شد جهانی شدن پدیده ای است که بر اثر وقوع آن نقش مرزهای جغرافیایی در تصمیم گیری ها و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسانها، به حداقل کاهش می یابد. در این رهگذر منافع تک تک انسانها بیش از پیش در منافع سایر انسانها در کشورهای مختلف گره می خورد. در دنیای جهانی شده، واژه ملی، جای خود را به واژه بین المللی خواهد داد. لذا نه تنها کالا، خدمات و سرمایه بین ملل مختلف دنیا به آسانی به گردش در می آید، بلکه افکار و دانش بشر نیز آسان تر از گذشته مبادله می شود و فضای مجازی مکانی برای این تبادل بی حد و مرز است.

روزگاری نه چندان دور افراد برای دسترسی به اطلاعات مجبور بودند به روزنامه ها، مجلات و اطلاعاتی های عمومی بسنده کنند، گردش اطلاعات در میان مردم یک جامعه فقط به خبرهای دهان به دهان گشته، تلگراف و تلفن ختم می شد. عمل پنهان سازی اطلاعات توسط تبهکاران و یا حکومتیهای دیکتاتوری عملی بسیار رایج و ساده بود. ذات فرهنگ ها، سنن و رخدادهای مردم دوردست در میان هاله ای از ابهام پیچیده شده و به صورت افسانه در میان جامعه به گردش در می آید، اما امروزه رسانه ها از اعتباری بی سابقه برخوردارند. هرچند در ابتدا برای ایجاد آگاهی و اطلاع رسانی به توده مردم پایه گذاری گردیدند، اما در حال حاضر به عنوان ابزاری برای تسلط بر انسان مبدل شده اند. با این وجود کماکان برای انسان سودمندند. به عنوان مثال اطلاعاتی در زمینه سنن و اخلاقیات مردمان دیگر در اختیارمان قرار می دهند و ما از این طریق می توانیم به راحتی با آن ها ارتباط برقرار کنیم و با تبادل دانش به قدرت زیست خود بیفزاییم. این آگاهی سبب درک احساسات و پیامهای طرف مقابل حتی در زمان استفاده نکردن از

یک زبان مشترک شده است.

در واقع تکنولوژی های نوین ارتباطاتی در جهان، ایده ای موسوم به دهکده جهانی را تحقق عینی بخشیده و مردم اکنون در جهانی زندگی می کنند که از هر لحاظ تحت دیده تیزبین یکدیگر قرار دارند. اصطلاح « آکواریوم جهانی » و یا « جهان شیشه ای » زاینده همین تصور است. این که چرا در میان شبکه جهانی اینترنت، شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و شبکه تلفن همراه، اینترنت حضور پر رنگ تری را در عرصه اطلاع رسانی به نمایش گزاردده اند، به خصوصیات منحصر به فرد این رسانه بر می گردد که نه تنها باعث پیشی گرفتن آن از دیگر ابزارها شده بلکه صحنه را برای یک تازیش در آینده نزدیک فراهم نموده است. از جمله این خصوصیات می توان به قابلیت ویرایش همزمان، فرا جغرافیایی بودن، فراملیتی بودن، هزینه کم، توسعه پذیری و ظرفیت نامحدود اشاره نمود. در کنار این توانایی ها، اینترنت خصلت بارز دیگری نیز دارد که از آن تحت عنوان بین الملل گرایی (انترناسیونالیسم) یاد می شود. بین الملل گرایی صرفا مربوط به این حقیقت نیست که اینترنت باعث ارتباط یافتن مردمانی از ملل مختلف می شود. چرا که بسیاری از ابزارها و فعالیت های انسانی دیگر نیز چنین کاری را انجام می دهند. نکته در این جاست که جست و جو در اینترنت کاملا نسبت به مرزهای ملی بی اعتنا است و مردمانی که در غیر از فضای شبکه با هم غریبه هستند به وسیله علایق مشترکی پیوند می یابند که هیچ ربطی به ملیت شان ندارد. اینترنت از این جهت در تضادی شدید با آن چه فیلسوفان جامعه مدنی می نامند قرار می گیرد. یعنی جامعه ای که خصوصیت آن پیوند دادن افراد بیگانه به وسیله وحدت بخشیدن به آنها درون یک حوزه سیاسی است.

از سوی دیگر جهانی شدن آثار قابل ملاحظه ای در زمینه ارتباطات دارد. اولین اثر ناپایداری و یا بازسازی ساختارهای سیستم های اطلاعاتی است که نخستین مظهر آن نابودی انحصارهای دولتی است و نتیجه آنی آن تولد عرضه کنندگان خصوصی است. در ضمن همواره اعلام شده که خدمات عمومی در زمینه ارتباطات توسط سازمانهای

مستقل اداره شود. اما این خواسته متأسفانه از سوی قدرت های سیاسی نادیده گرفته شده است. بنابراین اینترنت به راحتی در خدمت جهانی شدن قرار گرفته است و از هیچ گونه کمکی در راه پیشرفت این پدیده دریغ نمی کند. اینترنت به عنوان شاهره اطلاعاتی و به دلیل پهنای زیادش از تمرکز دانش جلوگیری کرده است و از آنجا که دانش همواره قدرت را به همراه دارد عدم تمرکز دانش موجب تکثیر منابع قدرت شده است. باید اذعان داشت که با پایان جنگ سرد، روند جهانی شدن به شدت تشدید گردید. به طور کل در بررسی رابطه اینترنت و جهانی شدن متوجه می شویم که این دو پدیده رابطه دوگانه ای با یکدیگر دارند یعنی از یک سو اینترنت یا به طور کلی فضای مجازی نقش و جایگاه خاصی در جهانی شدن دارد و از سوی دیگر جهانی شدن باعث افزایش دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات و درک اهمیت آن شده است و در عرصه اطلاعات نیز جهانی شدن به مثابه تسهیل جریان اطلاعات بر فراز مرزها یا بدون توجه به مرزها تلقی می شود. می توان چنین نیز تعبیر نمود که افراد با داشتن اطلاعات به تعامل، مشارکت و همکاری تشویق شده اند که در نتیجه آن جهانی شدن در حال عینیت یافتن است. جهانی شدن نیز خود موجب گسترش، تسریع، تسهیل و تشویق ارتباطات به ویژه ارتباطات از راه دور نظیر اینترنت شده است. (منتظری، ۸۷: ۳-۱)

بنابر این می توان گفت که در ادامه روند جهانی شدن، جنگ ها به نوعی ادامه پیدا کرده اند، اما دیگر نه به سبک و سیاق دوران قبل. بعد از دوران جنگ سرد، جنگ بین دولت ها و کشورها، از حالت ایدئولوژیک و فیزیکی خارج شده و به فضای سایبری کشیده است. به فضایی که در آن جنگ بسیار کم هزینه تر و البته کاراتر است.

جنگ سرد در محیطی جدید:

آری با پایان یافتن فرایند جنگ سرد بین دو بلوک غرب و شرق و یا بهتر است بگوییم دو تفکر لیبرالیسم و کمونیسم و با تغییرات اساسی که در عرصه های بین المللی اواخر قرن بیستم اتفاق افتاد، وقایعی چون فروپاشی شوروی سابق، و همچنین

بسط و گسترش سریع رسانه های جمعی و کاربردهای فضای مجازی در بین کشورها و ملت ها رفته رفته محیط جنگ سرد به یک فضای جدید منتقل گردید ، بستر مجازی و فضای سایبرنتیک و عمق اثرگذاری آن بر فرهنگ و ارتباطات بین کشورها و همچنین فرایند تولد مفاهیم نظری که امروزه به آن قدرت ژئو کالچر و یا توانایی تولید قدرت نرم اطلاق می گردد که به محور اصلی منازعات بین المللی مبدل شده است.

امروزه مسابقه تسلیحاتی و تولید موشک های قاره پیما با کلاهک ای هسته ایی به یک رقابت بسیار تند و عمیق در عرصه مفهوم سازی در فضای سایبر تبدیل شده، هر کشوری که قدرت و توان تولید مفاهیم نظری قابل ارائه و قابل فهم و تاثیر گذار بر ذهن افکار در فضای رسانه ایی و مجازی را داشته باشد می تواند در عرصه بازی قدرت نقش ایفا کند و هر کشوری هم که به این توان نرسد باید مصرف کنند و تابع باشد. بنابر این دیگر تمرکز در نبرد میان قدرتهای جهانی و منطقه ای نه در عرصه نظامی بلکه عمدتاً در صحنه تفکر و فرهنگ است. فضای مناسب در عرصه نبرد مجازی، همانا در زمینه فرهنگ و اذهان می باشد. بنابراین رقابت و رو در رویی در برداشت ها و باورها و حتی شیوه زندگی صورت می گیرد. این امر هم از درگیری و رقابت نظامی ارزان تر و آسان تر و هم تاثیرگذار تر و ماندگارتر است.

اکنون ایجاد بسترهای وسیع مجازی جهت جمع آوری انواع اطلاعات به مهمترین ابزار در فرایند تصمیم سازی منازعات بین المللی مبدل شده است و اصولاً امکانات فراهم شده در فضای سایبر مانند انواع شبکه های اجتماعی و یا دایره المعارف های عظیم اینترنتی چون ویکی پدیا ، دارای دو کارکرد اشکار و پنهانی می باشند ، کارکرد آشکار آن همان کاربردی قابل رویت است مثلاً ویکی پدیا یک دایره المعارف عمومی و جهانی جهت اخذ اطلاعات مختصر و فیش برداری شده در زمینه های مختلف می باشد، اما کارکرد اصلی آن جمع آوری و تحلیل انبوهی از اطلاعات در زمینه های مختلف است که می تواند خوراک تصمیم سازی کشورهای پیشرفته غربی را در عرصه های مختلف

منازعات بین المللی تولید نماید.

همچنین در حوزه هدایت غیر مستقیم و انتقال مفاهیم تئوری به شیوه اغواگری در ذهن نیز، با تولید و گسترش انواع بازی های رایانه ایی آنلاین در فضای مجازی به یک فرایند پیچیده و قابل درک مبدل شده است، در واقع با ابزار بازی های آنلاین علاوه بر سود آوری های کلان اقتصادی برای کمپانی های تولید کننده فرایند تحت نفوذ گرفتن اذهان و هدایت ذهن کاربران جوان نیز محقق می شود که در این حوزه نیز یک رقابت تنگاتنگ بین کشورهای مختلف جهت تولید این بازی ها و جذب مخاطب و کاربر بوجود آمده است.

بسط و گسترش شبکه های اجتماعی در فضای مجازی نیز از همین مقوله می باشد، اثر گذاری عمیق این شبکه ها در هدایت و تولید برنامه برای جهت دهی ذهنی به افکار عمومی و نشر اطلاعات لازم در بستر این شبکه ها باعث شده تا امروزه کشورهای مختلفی به ایجاد انواع شبکه های اجتماعی در فضای مجازی اقدام کنند و یک نوع مسابقه سهم خواهی در فضای سایبر بین قدرت های بین المللی ایجاد شود که بسیار به مسابقه تسلیحاتی در دوران جنگ سرد شباهت دارد.

به طور مثال در جریان مشکلات و بحران های اجتماعی و اقتصادی پنج سال گذشته در قاره اروپا و منطقه یورو سازمان پیمان همکاری های ناتو و اتحادیه اروپا که در یک رقابت بسیار ظریف و تنگاتنگ با ایالات متحده آمریکا در عرصه منازعات اقتصادی و دیپلماتیک به سر می برند، همواره به این نقطه ضعف خود اذغان داشتند که سهم و ردپای آمریکا در فضای سایبر بسیار بیشتر از کل اتحادیه اروپا می باشد و همین ابزارهای گسترده سایبری چون فیس بوک، یاهو، گوگل و سرویس های پست الکترونیک و... به ابزاهای تفوق آمریکا بر اروپا مبدل شده است. (نورالدین، ۱۳۸۳: ۵۳)

حال در چنین فضایی کشوری می تواند در این عرصه عرض اندام کند که چشم هایش را بر واقعیت ها نبندد و با ورود به عرصه تولید محصول نرم افزاری در فضای سایبر در

راستای اهداف خودش به هدایت ذهن و افکار عمومی جامعه اش و جامعه بین المللی پردازد و نه اینکه با فیلتر کردن انواع سایت ها و شبکه های اجتماعی چشم بر واقعیت بسته و رویکردی منفعلانه را در پیش بگیرد و جوانان خود را بی دفاع در جنگل مسابقه تسلیحاتی سرد در فضای سایبر رها کند.

بکارگیری ابزارهای قدرت نرم در جنگ سرد نوین:

حکومت‌ها از قدرت نظامی برای ایجاد تهدیدات، جنگ‌ها استفاده می‌کنند و با استفاده از ترکیبی از مهارت و شانس در زمان مناسب به نتایج دلخواه می‌رسند. قدرت اقتصادی معمولاً یک موضوع بسیط است. حکومت‌ها می‌توانند حساب‌های بانک‌های خارجی را در عرض یک شب مسدود کنند و یا فوراً اقدام به توزیع کمک‌هایی مالی و رشوه دهی نمایند (اگرچه تحریم‌های اقتصادی معمولاً برای نتیجه دهی زمان زیادی لازم دارند). به‌کارگیری قدرت نرم دشوارتر است، زیرا همان‌طور که در سطور گذشته دیدیم، بسیاری از منابع مهم قدرت نرم خارج از کنترل حکومت‌ها هستند و اثرگذاری آن‌ها به شدت بستگی به پذیرش مخاطبان دارد. به علاوه منابع قدرت نرم اغلب به طور غیر مستقیم و برای شکل دادن به محیط به جهت پذیرش سیاست‌ها عمل می‌کنند و گاه سال‌ها طول می‌کشد که نتیجه دلخواه را به دست دهند.

دشوار بودن به‌کارگیری قدرت نرم، حکومت‌ها را از تلاش باز نداشته است. به عنوان مثال در قرن هفدهم و هجدهم کشور فرانسه فرهنگ خود را در میان اروپائیان ارتقا داد و زبان فرانسوی به زبان دیپلماسی تبدیل شد.

ظهور رادیو در دهه‌ی ۱۹۲۰ باعث شد حکومت‌ها به صحنه‌ی پخش برنامه‌های رادیویی به زبان‌های خارجی وارد شوند. در دهه‌ی ۱۹۳۰ کمونیست‌ها در شوروی و فاشیست‌ها در آلمان و ایتالیا برای به نمایش گذاشتن تصویر مطلوبی از کشورشان در اذهان ملل دیگر با هم رقابت می‌کردند. آلمان نازی علاوه بر پخش برنامه به زبان‌های خارجی، فیلم‌های تبلیغاتی نیز تولید می‌کرد. در سال ۱۹۳۷، وزیر خارجه انگلستان،

آنتونی ایدن درباره ارتباطات جدید گفت: "البته کاملاً درست است که یک تبلیغات فرهنگی خوب نمی‌تواند آسیبی را که به وسیله یک سیاست خارجی نامناسب به وجود آمده درمان کند، اما اغراق نیست که بگوییم حتی بهترین سیاست‌های دیپلماتیک هم اگر به کار تفسیر و متقاعد سازی که شرایط مدرن بر ما تحمیل کرده بی توجه باشند ممکن است شکست بخورند. در پایان آن دهه، شبکه BBC، که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد به بیشترین زبان‌های اروپایی و هم چنین به زبان عربی برنامه پخش می‌کرد. (نای، ۱۳۸۹: ۱۸۶)

بعد از ورود آمریکا به جنگ، هجوم فرهنگی این کشور به صورت جهان شمول در آمد. در سال ۱۹۴۲ "روزولت" دفتر اطلاعات جنگ را برای انتشار اخبار موثق تشکیل داد، در شرایطی که "دفتر سرویس‌های استراتژیک" که سازمان جاسوسی بود اطلاعات غلط را نیز منتشر می‌کرد. موسسه OWL حتی برای تبدیل فیلم‌های هالیوودی به وسایل تبلیغاتی مؤثر هم تلاش می‌کرد و به فیلم‌ها قسمت‌هایی را اضافه و یا از آن‌ها کم می‌کرد. مدیران هالیوود هم که با مخلوطی از وطن پرستی و منافع شخصی برانگیخته شده بودند، از همکاری در این مورد خوشحال بودند.

بخشی از منافع قدرت نرم در زمان جنگ توسط حکومت و بخشی به طور مستقل ایجاد شد. رادیو در این میان نقش عمده ای داشت چیزی که به عنوان صدای آمریکا شناخته شد به سرعت در اثنای جنگ جهانی دوم رشد کرد. با الگوبرداری از روش BBC، در سال ۱۹۴۳ این رادیو با ۲۳ فرستنده به ۲۷ زبان خبر پخش می‌کرد. بعد از جنگ، با شروع جنگ سرد و رشد تهدیدات شوروی، VOA همچنان گسترش می‌یافت، اما به همان سرعت منازعات بر سر این که آیا این شبکه باید به طور کامل در اختیار دولت باشد و اخبار آن را پخش کند یا اینکه باید نماینده‌ای مستقل از فرهنگ آمریکا باشد نیز بالا می‌گرفت. ایستگاه‌های ویژه رادیویی مانند رادیو آزادی و رادیو اروپای آزاد که از تبعیدها جهت پخش برنامه برای بلوک شرق استفاده می‌کردند به این

رادیوها اضافه شدند. به بیان کلی‌تر، با گسترش جنگ سرد، بین کسانی که رسانه‌های آهسته دیپلماسی فرهنگی - یعنی هنر، کتاب و تعاملات - را که اثر تدریجی دارند ترجیح می‌دادند و کسانی که رسانه‌های سریع اطلاعاتی مانند رادیو و فیلم‌هایی را که دارای اثر فوری و قابل مشاهده هستند را ارجح می‌دانستند، تفکیک به وجود آمد.

در طول جنگ سرد، طرفداران این دو روش بر سر این که حکومت چگونه باید روی قدرت نرم سرمایه‌گذاری کند به منازعه پرداختند. صاحبان "ذهن‌خشن" از تبلیغات مستقیم ابایی نداشتند، در حالی که صاحبان "ذهن‌لطیف" اظهار می‌کردند که تغییر نگرش مردم خارجی یک فرایند تدریجی است که باید طی چند سال سنجیده شود. هم‌چنین در مورد اینکه چقدر رسانه‌ها باید وابسته به حکومت‌ها باشند و چقدر حکومت‌ها باید رسانه‌ها را کنترل کنند بحث‌هایی در گرفت. در نهایت به قول رینهلود ون‌لتین برنامه‌های فرهنگی خارجی آمریکا "در گرداب یک سیاست خارجی خشن ضد کمونیستی" گرفتار شده بودند. (نای، ۱۳۸۹: ۸۸) امروز تسلط نرم افزاری بر ذهن و افکار مخاطب به صورت خاص و ملت‌ها به صورت عام یکی از مهمترین ابزارهای قدرت نرم در عرصه دیپلماسی عمومی مبدل شده است. (دولت آبادی، ۱۳۹۱)

علاوه بر این، افکار عمومی در رابطه با تبلیغات محتاط‌تر و حساس‌تر شده است. باورپذیری نزد سردبیران و رهبران فکری وسیله‌ای بسیار مهم و یکی از منابع مهم قدرت نرم است. کسب وجهه حتی از گذشته مهم‌تر می‌شود و کشمکش‌های سیاسی بر سر ایجاد یا تخریب باورپذیری در می‌گیرد. حکومت‌ها بر سر باورپذیری نه تنها با یکدیگر، بلکه با افراد بسیاری مانند رسانه‌های خبری، شرکت‌های تجاری، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های میان‌حکومتی و شبکه‌های اجتماعات علمی رقابت می‌کنند.

جنگ نرم و فرآیند به‌کارگیری قدرت نرم:

جنگ به سه دسته سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم می‌شوند و در اینجا موضوع ما جنگ نرم است که در نتیجه به‌کارگیری قدرت نرم حاصل می‌شود. جنگ نرم در مقابل

جنگ سخت تعریف می شود و در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه ای و فرهنگی است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش اعمال خشونت، رقیب را به انفعال یا شکست وا می دارد. جنگ نرم در پی از پای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم تزلزل و بی ثباتی تزریق کند. (غریب آبادی، ۸۹: ۲) با این اوصاف طیف وسیعی از اقدامات از جنگ رایانه ای و فعالیت های اینترنتی تا راه اندازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی و شبکه سازی و موارد دیگر ذیل عنوان جنگ نرم می گنجد. قدرت نرم یک کشور هنگامی که علیه کشور یا ملت یا حکومتی دیگر به کار می رود و جنگ نرم را رقم می زند در واقع تهدید نرم برای آن کشور هدف محسوب می شود. بنابراین، تهدید نرم مجموعه اقداماتی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. "تهدید نرم" نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است، که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه ها، ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین آن ها می گردد. با این نگرش، تمامی تحولاتی که موجب شود تا اهداف و ارزش های حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد، یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین کننده هویت ملی و دینی یک کشور شود، "تهدید نرم" به شمار می آید. (امیری، ۱۳۸۹: ۲۳)

در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش های نرم افزایش اجرا می کند. تغییرات حاصل از تهدید نرم، درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش هایی فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل های صنفی و قشری و شیوه القاء و اقناع انجام می پذیرد.

هدف از تهدید نرم، تأثیرگذاری بر انتخاب ها و کنترل فرایند تصمیم گیری و شیوه

اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها می‌شود. بدین ترتیب "مهاجم فرهنگی" سعی می‌کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن آوری، به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم آورد و با تغییر الگوهای رفتاری حریف و تضعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آن‌ها، زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد. (رضایی ۱۳۸۷: ۷۴)

ابزارهای جنگ نرم:

۱. رسانه‌ها

نقش رسانه‌ها در جنگ نرم تا آنجا است که به گمان عده ای، "جنگ نرم" همان "جنگ رسانه ای" است. رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارها در جنگ نرم هستند. با تأملی اندک در ماهیت و کارکردهای رسانه‌ها در دنیای جدید، این حقیقت را می‌توان فهمید که رسانه‌ها مکمل سیاست و قدرت‌اند و قابل انفکاک از یکدیگر نیستند. هر جا که قدرتی هست، حتماً در کنار آن رسانه ای قوی نیز وجود دارد و هر جا سیاستی اثرگذار وجود دارد، همواره با آن رسانه‌های اثرگذاری نیز دیده می‌شود.

برخی معتقدند امروزه اختیار جهان در دست کسانی است که از رسانه‌های قوی و تأثیرگذار برخوردارند.

۲. روزنامه‌ها

یکی از نخستین رسانه‌های ارتباط جمعی، روزنامه‌ها و مجلات خبری می‌باشد هرچند امروزه به دلیل پیدایش وسایل ارتباط جمعی پیشرفته تر نقش بی‌بدیل مطبوعات اندکی کم رنگ شده است، اما هنوز هم یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین رسانه‌های خبری به شمار می‌روند و هنوز هم مخاطبان فراوانی در گوشه و کنار جهان دارند.

(شریفی: ۱۳۸۹: ۹۴)

۳. شبکه های تلویزیونی

تلویزیون یکی از مهم ترین رسانه ها به شمار می رود. در تعریف این پدیده گفته شده است تلویزیون در عصر حاضر، چشم و گوش آدم هاست. (صفا تاج: ۱۳۸۷: ۱۷) این جعبه جادویی، تأثیری سحرآمیز بر افکار و اندیشه ها و اخلاقیات و رفتارهای مخاطبان خود دارد. کمتر خانه ای در گوشه و کنار جهان، یافت می شود که این جعبه جادویی با انواعی از شبکه ها، در آن وجود نداشته باشد و بخش عمده ای از اوقات صاحبان ساکنان خانه را به خود اختصاص ندهد. تلویزیون، مهم ترین کانال ارتباط جمعی به شمار می آید. به همین دلیل است که مورد توجه جدی سیاست مداران و حاکمان قرار گرفته است.

۴. ایمیل

یکی دیگر از پدیده های نوین در عرصه ارتباطات، ایمیل است که یکی از محصولات و میوه های اینترنت می باشد. ایمیل یا پست الکترونیکی، در حقیقت انقلابی در حوزه نامه نگاری و ارسال پیام ها و مطالب کوتاه و بلند ایجاد کرده است. سرعت و دقت در ارسال، هزینه بسیار اندک و ناچیز، بی تأثیر بودن موقعیت جغرافیایی و اوضاع جوی در ارسال مطالب و توانایی ارسال حجم بالایی از مطالب و همچنین ارسال هم زمان یک مطلب برای تعداد زیادی از افراد، از ویژگی های ایمیل است. افزون بر این، با توجه به نرم افزارها و امکانات دیگری که اینترنت فراهم کرده است، یک نفر می تواند مطالب خود را برای کسانی بفرستد که هرگز آن ها را نه دیده است و نه شناختی نسبت به آن ها دارد و نه اطلاعی از نوع تفکر و مذهب و اعتقادات آن ها دارد. (بیلیس ۱۳۸۰: ۵۵)

۵. ماهواره ها

همان طور که می دانیم امروزه بسیاری از فعالیت های ارتباطاتی، تلفن همراه، تلویزیون، رادیو، اینترنت و امثال آن، وابسته به ماهواره است. جالب است که امریکا و متحدان غربی آن از گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات در میان کشورها و ملت ها،

حمایت‌های جدی می‌کنند و حتی کشورهای مختلف را به بهره‌گیری از این فناوری نوین، در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، مالی و پولی خود ترغیب می‌کنند و از انعقاد قرارداد با شرکت‌های مربوط و مرتبط، حمایت می‌کنند! و از طرف دیگر، تلاش می‌کنند کشورهای دیگر به چنین تکنولوژی‌هایی به ویژه در حوزه امنیت شبکه دست پیدا نکنند و این تکنولوژی در انحصار خود آنان باقی بماند.

۶. ادبیات مکتوب (داستان کوتاه و رمان)

یکی از اثرگذارترین قالب‌های ادبی و متنی داستان کوتاه و رمان است از میان قالب‌های مختلف ادبی در ادبیات مکتوب می‌توان گفت قالب داستان کوتاه، داستان بلند و رمان از جمله بهترین قالب‌ها برای انتقال مفاهیم ارزشی و اعتقادی و دینی است. شاید به همین دلیل بوده است که قرآن کریم نیز در بسیاری از موارد برای انتقال معارف خود از قالب داستان کوتاه استفاده کرده است.

۷. نشریات عمومی

یکی دیگر از ابزارهایی که در جنگ نرم کارکردی ویژه دارد، نشریات عمومی هستند. نشریاتی که به صورت هفتگی، ماهیانه یا فصلی منتشر می‌شوند و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و ورزشی فعالیت دارند و نیازهای روحی و روانی مردم را جهت می‌دهند.

۸. فیلم و سینما

با توجه به اینکه درصد بسیار بالایی از اطلاعات روزمره افراد، از طریق بینایی و بصری به دست می‌آید، نقش رسانه‌های تصویری در فرهنگ جامعه به خوبی روشن می‌شود. یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در دهه‌های اخیر توانسته، نقشی منحصر به فرد، در انتقال فرهنگ داشته باشد، سینما است. دنیای غرب - که مخترع این صنعت است - استفاده‌های فراوانی از این ابزار کرده است. غرب توانسته، باورها و ارزش‌های خود را به زبان تصویر و در قالب فیلم، تبلیغ و ترویج نماید. سینمای هالیوود و به طور

کلی سینمای غرب، تصویری آرمانی از دنیای غرب به نمایش می‌گذارد و در مقابل، تصویری وحشتناک و غیر قابل پذیرش از زندگی در کشورهای مخالف اندیشه غرب نشان می‌دهد. قدرت اطلاعاتی و امنیتی و نظم اجتماعی بالایی برای خود به نمایش می‌گذارد و به این وسیله، سیطره فرهنگی و امنیتی و سیاسی خود را بر سایر فرهنگ‌ها القا می‌کند. (برژینسکی، ۱۳۷۲)

۹. پویانمایی

صنعت پویانمایی و کارتون در میان کودکان و نوجوانان، طرف داران فراوانی دارد. از طریق فیلم‌های کارتونی، مفاهیم و ارزش‌های بسیاری را به بچه‌ها می‌توان منتقل کرد. نظر به ماندگاری تعلیم و تربیت در دوران کودکی می‌توان گفت، از طریق پویانمایی و سرگرمی‌های دوران کودکی می‌شود آینده فرد و جامعه را جهت داد. تربیت‌های زمان کودکی در حقیقت تا حدود زیادی شخصیت آینده فرد را شکل می‌دهد.

۱۰. بازی‌های رایانه ای

از زمان یونان باستان، اندیشمندان و فیلسوفان مختلف به این حقیقت مهم تصریح کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تعلیم و تربیت، بازی‌های کودکان و سرگرمی‌های آنان است. افلاطون عقیده داشت که برای ساختن یک مدینه فاضله و اتوپیا، اولیای امور و حاکمان باید از همان اوان کودکی بر بازی‌های کودکان نظارت داشته باشند، زیرا به وسیله بازی‌ها می‌توان به صورت غیر محسوس اولاً، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی کودکان و نیروها و استعدادهای آنان را شناسایی و برای آینده در مورد آنان تصمیم‌گیری کرد و ثانیاً، در صورت نیاز می‌توان رفتارهای آنان را نیز از همین راه تغییر داد. نوع بازی می‌تواند در تغییر نگرش اخلاقی و رفتار افراد تأثیر چشمگیری داشته باشد. همچنین به وسیله بازی‌ها می‌توان کودکان را نسبت به تخفیف و تحقیر سنت‌ها تحریک کرد. (برن: ۱۳۶۳: ۱۵۷)

۱۱. اسباب بازی

تولیدکنندگان این وسایل، عموماً با هدف تأثیر گذاری فرهنگی و ترویج افکار و ارزش‌های مورد قبول خود در میان کودکان و جهت دهی به رفتارهای آنان به تولید انواع گوناگونی از اسباب بازی و عروسک اقدام می‌کنند. برای مثال "باربی"، یکی از صدها و هزاران عروسکی که در کشورهای غربی و شرقی تولید می‌شود، از ابتدای پیدایش خود (در سال ۱۹۵۹ میلادی) تاکنون بیش از پانصد بار در نقش‌های مختلف، ظاهر شده است.

۱۲. ورزش

وقتی آلمان‌ها کشورهای اروپایی را تصرف کردند، یکی از شعارهای کشورهای تحت اشغال این بود که اگر ما در جبهه‌ی نبرد نظامی نتوانستیم آلمان‌ها را شکست دهیم ولی در نبردهای میدان‌های ورزشی مخصوصاً فوتبال، آن‌ها را شکست خواهیم داد. از این رو یکی دیگر از ابزارهای بسیار مهم و اثرگذار، که در جنگ نرم مورد استفاده قرار گرفته است، ابزار "ورزش" است. ورزش در دنیای جدید در کنار تأثیرات جسمی، به عنوان صنعتی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأثیرات کم نظیری دارد، مورد توجه حاکمان و سیاستمداران و سرمایه‌داران و عالمان علوم مختلف قرار گرفته است. (حسینی ماهینی، ۱۳۹۱)

عملیات روانی مهم‌ترین تاکتیک در جنگ نرم:

عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است خواه به صورت مخفی، آشکار، شفاهی و یا کتبی باشد. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد می‌تواند به اعماق او نفوذ کند. برخی دیگر عملیات روانی را فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی می‌دانند که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه‌های هدف (دوست، بی طرف یا دشمن) و تغییر احتمالی آن‌ها برای رسیدن به

هدف های ملی طرح ریزی و اجرا می گردد. آن دسته از صاحب نظران که همین دیدگاه را برگزیده اند، فعالیت های پنهان مانند جاسوسی، اقدام به براندازی، آدم کشی و دیگر روش هایی تروریستی و سانسور را (زمانی که برای قالب بندی افکار و رفتار گروه های خاص طراحی شده باشد) نوعی عملیات روانی می شمرند.

پل لاین رگر محقق و کارشناس خبره جنگ روانی در سال ۱۹۵۴ م در کتاب جنگ روانی می گوید که جنگ روانی، استفاده از تبلیغات بر ضد دشمن، همراه با اقدامات عملی است که ماهیت نظامی، اقتصادی یا سیاسی را در بر دارد. (طالب، ۱۳۸۹: ۱۸)

تعاریف عملیات روانی متفاوت است و برخی، رویکرد آن را نفوذ در باورها، عده ای اثرگذاری بر افکار و گروهی تأثیر بر احساسات و رفتارها می دانند، ولی بررسی مصادیق عملیات روانی نزد صاحبان این تعاریف حاکی از آن است که مقصود همه آن ها تأثیر بر هیجانات، احساسات و عواطف است تا بتوانند از این رهگذر افکار و تمایلات طرف مقابل را بر اساس خواسته های خویش شکل و جهت دهند.

به طور کلی می توان بیان کرد که عملیات روانی کانالیزه کردن فکر حریف در مسیر خاص و منتهی به هدف مورد نظر است. عصر حاضر در پرتو دانش و فناوری شاهد تحولات بی شماری است که گسترش امکانات ارتباطی در رأس آن ها قرار دارد. در چنین اوضاعی، اینترنت، ماهواره ها و رسانه های گوناگون با انتقال اطلاعات هم زمان و مبادله افکار و عقاید، نقش زیادی در تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارند. (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۳)

انقلاب تکنولوژیک و توسعه وسایل ارتباطی - اطلاعاتی، سبب شده است که دسترسی به افکار میلیون ها انسان و تأثیر گذاری بر آن ها آسان شود و همین سهولت است که میزان تلفات را در این جنگ ارتباطی، در قیاس با نبردهای نظامی بسیار گسترده تر کرده است. به قول کارشناسان ارتباطات، قرن حاضر، "عصر تبادل اطلاعات می باشد، از این رو امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در دیگر

مناطق جهان، از این فناوری‌ها بهره‌های فراوان می‌برند، از جمله مواردی که این فناوری‌ها به کار گرفته می‌شوند، عملیات روانی است. " (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷۸)

جنگ سایبر در ادامه جنگ سرد:

سازمان‌های بین‌المللی و حکومت‌ها، در دوره‌های اخیر، به لزوم توجه بسیار زیاد به امنیت سایبر پی برده‌اند. در واقع حد نهایت معضلات کنونی دولت‌های مدرن را می‌توان چالش‌های امنیتی در فضای سایبر دانست که البته این چالش‌ها توانسته‌اند بازیگران غیردولتی را نیز درگیر خود کنند. در جنگ‌های سایبری تکنولوژی‌های نوین رایانه‌ای، ماشین دولت، نهادهای مالی و زیرساخت‌های حیاتی در بخش‌های انرژی، حمل و نقل و در نهایت روحیه و عزم ملی را هدف حملات خود قرار می‌دهند. همانگونه که در جنگ‌های نظامی، سلاح‌های سخت‌افزاری، موجودیت دولت هدف را مورد حمله قرار می‌دادند. (Carr, 2003 : 12)

نوع ابزار جنگی به کار گرفته شده در فضای مجازی، بسته به بازیگری که آن را به کار می‌برد، از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار است. برخی حملات سایبری، هرچند خطرناک هستند اما لزوماً به جنگ سایبر ختم نمی‌شوند. در واقع، تنها اقداماتی در این مقوله می‌گنجد که با اهداف سیاسی و با هدف وارد آوردن ضربه جدی به زیرساخت‌های حیاتی یک بازیگر دولتی یا غیردولتی طراحی شده باشد، همچون حملات سایبر گروه‌های تروریستی، جاسوسان و مجرمان سازمان‌یافته به حساب می‌آید. (Rattray, 2001)

نمونه‌هایی از تهدیدهای سایبری در عصر پس از جنگ سرد به شرح ذیل می‌باشند:

الف) تهدیدهای سایبری غیر مستقیم و غیر نظامی

همانگونه که هدف اصلی در جنگ‌های متعارف، از کار انداختن ماشین جنگی دشمن از طریق حمله به ساختار دولت، نهادهای مالی، زیربنای عملیاتی در بخش

انرژی و حمل و نقل و از میان بردن روحیه و عزم ملی می باشد، در جنگ های سایبری نیز همین اهداف دنبال می شود. (ماه پیشانیان، ۹۰ : ۱۰۱)

یکی از اولین نمونه های این نوع جنگ سایبری، در سال ۱۹۸۲ بین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا در دوران «ریگان» زمانی که وی دستور حمله به سیستم خطوط لوله این کشور در سیبری را داد اتفاق افتاد. با گذشت سالها از آن جنگ، در سال ۲۰۱۰ جدید ترین نمونه این گونه حملات سایبری به وسیله ویروس « استاکس نت»^۱ شکل گرفت. این ویروس که تلاش کرد اطلاعات سیستم های کنترل صنعتی را به سرقت برده و آنها را روی اینترنت قرار دهد با اهداف سیاسی و به منظور فشار بر ایران برای توقف غنی سازی اورانیوم، نیروگاه اتمی بوشهر و نطنز را مورد هدف قرار داد. (A worm in the centrifuge, 2010)

بنابراین می توان به این نکته اشاره کرد که بازیگران جنگ های سایبری می توانند بدون نیاز به درگیری های نظامی به اهداف استراتژیک و سیاسی خود دست یابند. (McConnell, 2010) همچنین حمله این کرم خطرناک نشان داد که ماهیت مبهم و نامشخص جنگ های سایبر سبب می شود که اقدامات مقابله به مثل با مشاجره های سیاسی همراه شود و چه بسا هزینه های بسیار زیادی را برای دولت ها مورد هجوم به وجود آورد. همچنین در جنگ های سایبر مرز بین اهداف نظامی و غیر نظامی مبهم است. (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰ : ۱۰۲)

ب) جاسوسی سایبری

جاسوسی سایبر رایج ترین شکل فعالیت در فضای مجازی می باشد. جاسوسی سایبر خواه با هدف برملا نمودن اطلاعات مهم حکومتی باشد یا دزدیدن اطلاعات بخش نظامی و بازرگانی، یک عملیات مجازی است که به منظور کسب برتری اطلاعاتی برای دستیابی به موفقیت های بزرگتر با صرف کمترین هزینه صورت می پذیرد. برای مثال

^۱. Stuxnet' worm

چین تلاش می کند که با استفاده از جاسوسی سایبر در ساختارهای مهم سیاسی، اقتصادی و نظامی ایالات متحده آمریکا و روسیه نفوذ کند. (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

در کل می توان گفت، جاسوسی اینترنتی سبب سایش توازن اطلاعاتی بین دولت های مختلف می شود. البته هدف جاسوسی سایبر تنها دولت ها نیستند بلکه شرکت های دفاعی، بازرگانی و سازمان های غیر دولتی نیز، می توانند هدف حملات جاسوسان سایبری قرار گیرند. (Mueller, 2007)

ج) جنگ روانی سایبری

مهمترین بعد جنگ های سایبر در جهان امروز و بعد از جنگ سرد، بعد روانی آن است. عملیات روانی در فضای سایبر اقدامات برنامه ریزی شده برای انتقال اطلاعات و شاخص های منتخب به مخاطبان خارجی است که هدف تاثیر گذاری بر احساسات، انگیزه ها، قدرت تفکر و استدلال و نهایتاً تغییر رفتار سازمانها، گروه ها و اراده آنها را شامل می شود. همچنین ممکن است طراحی عملیات دزدیدن اطلاعات در فضای سایبر با هدف ایجاد تشویش و نگرانی روانی طراحی شود. نمونه این مسئله را می توان در مورد ویروس استاکس نت در ایران نام برد. مهمترین هدف این کرم خطرناک افزایش نا امنی روانی در میان دولتمردان ایرانی بود. (ماه پیشانیان، همان: ۱۰۴)

ه) تهدید های مستقیم نظامی در فضای سایبر

تکنولوژی سایبر با دارا بودن عملکردهای بسیار مشخص نظامی می تواند به طور مستقیم بر میدان نبرد تاثیر گذار باشند. بخش نظامی هر کشوری برای آموزش و تجهیز نیروها، سیستم های جنگ افزاری، ماهواره ها و شبکه های ارتباطی یا داده پردازی اطلاعات به تکنولوژی های سایبری وابسته است. (امیری، ۱۳۸۹: ۵۶)

بنابراین امروزه سرنوشت جنگ را دیگر تخریب ها، انفجار ها و عملیات فرسایشی تعیین نمی کنند بلکه از هم گسیختگی ظرفیت های فرماندهی و کنترل در فضای مجازی می تواند بسیار برای نتیجه برخوردها تعیین کننده باشد. علاوه بر این، امروزه

بعد اطلاعاتی به عنوان یکی از ابعاد محوری جنگ در همه عملیات های، رزم ها و نبردهای آینده دخیل خواهد بود. همچنین در جنگ های آینده، کسب برتری سریع در حوزه اطلاعاتی یکی از عوامل مهم موفقیت خواهد بود. (Rollins&Henning,2009)

نتیجه گیری

در دهه های اخیر به واسطه رشد و گسترش روز افزون تکنولوژی های اطلاعاتی ماهیت و روش های جنگ تغییر یافته است. در شیوه های نوین درگیری بر خلاف روش های سنتی تنها دولت - ملت ها با روش ها و ابزار سخت افزاری با یکدیگر درگیر نیستند بلکه به واسطه تغییر ماهیت تهدیدها، روش های درگیری نیز تغییر چشمگیری یافته است. در شیوه های نوین جنگ، ابعاد درگیری به میدان نبرد محدود نمی باشد، بلکه به علت ترکیب عملیات نظامی با اقدامات خصمانه در عرصه اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماتیک، ابعاد آن به خارج از محیط درگیری نیز سرایت پیدا می کند. در شیوه های نوین درگیری تنها هدف که دستیابی به پیروزی است، مهم تلقی می شود. لذا نیروهای متخصص ممکن است برای رسیدن به چنین هدفی درگیری را با هر روش و تاکتیکی به قلب جامعه، فرهنگ، آگاهی و وجدان عمومی گسترش دهند. بنابراین می توان گفت امروزه به واسطه رشد تکنولوژی های سایبری، متخصصان می توانند به آسانی دامنه درگیری را تا ذهن و روان مردم بکشانند و با استفاده از کوچکترین و کم هزینه ترین ابزار گسترش دهند.

با پایان یافتن جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب و اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یک میلادی جریان رقابت بین قدرت های جهانی به همان شیوه جنگ سرد ادامه پیدا کرد، با این تفاوت که این بار ابزار ها و روش ها تغییر کرده است.

در دوره جدید جنگ سرد که همانا بروز عینی و عرصه اصلی آن را می توان جنگ نرم نامید به جای مسابقه تسلیحاتی و کلاهک های اتمی و موشک های قاره پیما،

تکنولوژی تولید و انتقال مفاهیم و اطلاعات جایگزین شده است و هرکشوری که قدرت مانور بیشتری در این حوزه داشته باشد به یقین سهم بیشتری هم از عرصه قدرت بین المللی هم از آن او خواهد بود .

فضای مجازی و حوزه سایبر نیز به محور این جریان مبدل شده و به جرات می‌توان گفت مسابقه تسلیحاتی و موشکی امروز به مسابقه تولید مفهوم و توان هدایت و اغواگری افکار عمومی در فضای مجازی تبدیل گردیده است و امروز شاید مسابقه تولیدات نرم افزاری نظیر انواع سایت ها ، خبرگزاری ها ، بازی های رایانه ایی آنلاین و آفلاین و ... به جای تولید موشک و کلاهک هسته ایی از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. با این حال این کوشش همان ادامه راه مبارزه جویی های گذشته اما در عرصه ای دیگر است.

Archive of SID

منابع

- امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *تهدید نرم*، تهران، پگاه
- برژینسکی، زیبیگنیو (۱۳۷۲)، «خارج از کنترل»، مترجم عبدالرحیم نوه ابراهیم، تهران، روزنامه اطلاعات
- برن، ژان (۱۳۶۳)، *افلاطون*، مترجم ابوالقاسم پورحسینی، تهران،
- هماشریفی، احمدحسین (۱۳۸۸)، *موج فتنه از جمل تا جنگ نرم*، تهران، کانون اندیشه جوان
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)، *جنگ نرم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- صفاتاج، مجید (۱۳۸۷)، *صهیونیسم و رسانه*، تهران، سفیر اردهال
- طالب، مهدی (۱۳۸۹)، *نگاهی به عملیات روانی در اسلام*، قم، زمزم هدایت
- نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم*، مترجم سید محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- قرآن کریم
- رفیعی، عبدالله (۱۳۸۲)، *دولت ها و افکار عمومی، عملیات روانی*، تهران، نشر دادار
- عباسی، مهدی؛ هاشمی، تورج (۱۳۸۹)، *نقش رسانه ای اینترنت در ناهنجاری های اجتماعی در فضای سایبری در میدان جنگ نرم*، دانشگاه تبریز
- محقق منتظری، مائده (۱۳۸۹)، " فضای مجازی و جهانی شدن"، *روزنامه جوان*
- محقق منتظری (۱۳۸۹)، " جنگ سرد"، *همشهری آنلاین*
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، " فضای سایبر و شیوه های نوین درگیری ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه پژوهش فرهنگی*

- رفیع، حسین، جانباز، دیان (۱۳۸۹)، "تاثیر فناوری های جهانی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر امنیت ملی کشورها"، فصلنامه سیاست دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران

- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ترجمه: علیقلیان احد، تهران، طرح نو
 - گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نی
 - دولت آبادی، مصطفی (۱۳۹۱)، مصاحبه با سایت خبری طنین یاس،
 - نورالدین، محمد (۱۳۸۳)، جمهوری سرگردان، تهران، انتشارات استراتژیک
 - رضایی، بهرام (۱۳۸۷)، عملیات روانی در جنگ نامتقارن، تهران، همایش
 عملیات روانی
 - بیلینس، جان (۱۳۸۳)، استراتژی در جهان معاصر، مقدمه ای بر مطالعات
 استراتژیک، تهران، ابرار معاصر
 - حسینی ماهینی، سید احمد (۱۳۹۱)، "ورزش و جنگ نرم" برگرفته از:

<http://mahini.blogsky.com>

- Carr C. (2003), **The Lesson of Terror: A History of Warfare against Civilians**, New York, random house trade paperback

- Krebs, B. (2009 April 15), "organized Crime behind data Breaches", retrieved from **the Washington post**.

- Rattray, G. J. (2001), **Strategic Warfare in Cyber Space**, Cambridge, MA: MIT Press.

- Rollins, J., & Henning A. C. (2009 March 10), "Comprehensive National Cyber Security Initiative: legal Authorities and policy considerations", retrieved from **Congressional Research Service**.

- D. Harvey, **The Condition of Postmodernity: an Enquiry into the Conditions of Cultural Chang**, 1989.